

باب سوم: تفسیر، تأویل و تنزیل

۱. تفسیر

تعریف تفسیر:

أ. علمی است که از معنی قرآن [ارتباط آیات با همدیگر] به حسب طاقت بشری و به حسب آنچه قواعد عربیت اقتضا دارد، بحث می‌کند.

ب. علمی است که از احوال الفاظ کلام خدا بحث می‌کند از این حیث که بر مراد خدای تعالی دلالت می‌کند.

ت. تعریف دقیق‌تر تفسیر: تفسیر در اصل به معنی کشف و اظهار است و در شرع توضیح معنی آیه و بیان شأن نزول و قصه و سبب است که آیه در آن باب نازل شده به لفظی که دلالت آن دلالت آشکار باشد.

واژه تفسیر تنها یک بار در قرآن و آن هم در سوره فرقان آیه ۳۴ به کار رفته است. «... و لا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحق و أحسن تفسیراً». تفسیر مستلزم یک رشته علوم است که آن را مادی گویند.

مبادی تفسیر: عبارت است از دانش علوم عربیه به ویژه صرف و نحو، اصول، کلام، اصول فقه، علم جدل، فقه، حدیث، خبر و اشعار عرب (به ویژه شعر جاهلی) و قصص انبیا و چند علم دیگر.

غرض از تحصیل علم تفسیر: شناخت معانی و نظم قرآن است.

فایده علم تفسیر: توانایی یافتن بر استنباط احکام شرعی بر وجه صحیح است.

موضوع علم تفسیر: کلام خدای تعالی است که منبع هر حکمتی و معدن هر فضیلتی است.

۲. تأویل:

در لغت به معنی به آغاز بازگردانیدن و در شرع به معنی بازگردانیدن لفظ از معنی ظاهری به معنی احتمالی آن است به شرط آن که محتمل را موافق کتاب و سنت بیابند.

تأویل پیش علمای اصول:

پیش علمای اصول، تأویل مرادف تفسیر است با این فرق که تأویل ظن به مراد است و تفسیر قطع بدان. در میان مسلمانان به ویژه صوفیه و شیعه و اخوان الصفا به تأویل آیات بیشتر توجه شده است تا به تفسیر آنها.

۳. تنزیل:

در لغت به معنی فرو فرستادن و در اسلام عبارت است از ظهور قرآن بر حسب احتیاج امت اسلامی بواسطه جبرئیل بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و سلم).

فرق انزال و تنزیل:

انزال را در مورد امری ناگهانی و دفعی به کار می‌برند درحالی که تنزیل در تدریج به کار می‌رود.

مصادر تفسیر

تفسیر دو روش معروف دارد: تفسیر به نقل یا منقول؛

تفسیر به اجتهاد یا تفسیر به رأی.

مهمترین دلیل ورود وضع در تفسیر به نقل:

۱. وجود دو تفسیر متناقض برای یک آیه که هر دو را از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند.

۲. عدم وثوق مفسران.

صحابه و تابعان درباره تفسیر به رأی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. مخالفان تفسیر به رأی.

۲. کسانی که تفسیر به رأی را جایز و مباح می‌دانند.

منبع و مصدر مفسرین دسته اول (تفسیر به نقل) اخبار و احادیث و به طور کلی علوم نقلی بود و منبع و مصدر

گروه دوم، استنباط و اجتهاد و رأی شخصی البته بر پایه منقولات موجود بود.

سومین منبع تفسیر، تفسیر به اسرائیلیات بوده است.

دلیل توجه به آن، حرص و شغف آنها به استقصاء بوده است.

مفسران بزرگ:

مفسران بزرگ صحابی:

عده‌ای قلیلی از صحابه در تفسیر قرآن سخن گفته‌اند. از میان خلفای اربعه، بیشتر از همه از امام علی (علیه

السلام) تفسیر قرآن روایت شده است.

ابن عباس را ترجمان القرآن، حبر الأمة و رئیس مفسرین گویند.

مفسران تابعین:

دو گروه از آنها بیشتر شهرت دارند؛ اصحاب ابن عباس، اصحاب ابن مسعود.

در دوره دوم عباسی یکی از کامل‌ترین و معتبرترین تفسیر قرآن با عنوان «جامع البیان فی تفسیر القرآن» توسط

طبری به عرضه رسید.

ویژگی‌های تفسیر طبری:

در این تفسیر مؤلف ترجیح قوی را بر قول دیگر بیان می‌کند و تفسیرها و تأویل‌های ضعیف خرج و تعدیل می‌کند.

دومین تفسیر بزرگ؛ کتاب «التبیان فی تفسیر القرآن» متعلق به شیخ طوسی است. شیخ طوسی فقه شیعه را با تألیف کتاب **مبسوط** وارد مرحله جدیدی کرد.

شیخ طوسی نجف را مرکز علمی - دینی شیعه قرار داد.

آثار عمده شیخ طوسی عبارتند از:

- النهاية في الفقه

- المبسوط

- تهذيب الاحكام

- الاستبصار

- التبیان فی تفسیر القرآن

سومین تفسیر بزرگ؛ «تفسیر الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل» معروف به تفسیر کشاف متعلق به زمخشری است.

زمخشری در تفسیر خود بیشتر به جنبه لفظی قرآن توجه داشت.

«تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار» متعلق به رشیدالدین میبیدی است که یکی از کتب برجسته ادب فارسی آغاز سده ششم هجری است.

ابوالفتوح در تفسیر «روح الجنان و روح الجنان» اعتماد بر روایت غیر ائمه معصومین را مطلقاً جایز نمی‌داند حتی اگر از صحاح سنته اهل سنت باشد.

«مجمع البیان فی تفسیر القرآن» مفصل‌ترین تفسیر شیخ طبرسی است.

تفاسیر دیگر از عبارتند از: «الکافی الشافی» (الوجیز) و «جوامع الجامع یا الوسیط».

یکی دیگر از تفاسیر معتبر «انوار التنزیل و اسرار التأویل» معروف به تفسیر بیضاوی است. شیوه تفسیر بیضاوی مأخوذ است از تفسیر به منقول و تفسیر به رأی.

تفسیر «الجامع لأحكام القرآن و المبین لما تَضَمَّن من السنة و الآیات الفرقان» معروف به تفسیر «قرطبی» است، که به شیوهٔ مفسران نقلی اما پیراسته از اخبار بی‌اساس و اسرائیلیات است.

تفسیر «الصافی فی تفسیر القرآن» متعلق به ملامحسن ملقب به فیض کاشانی است. او در تفسیر الصافی تنها به مأخذ تفسیری شیعه اکتفا نکرده است.

«تفسیر الجلالین» به زبان عربی و از تفسیرهای به منقول است. وجه تسمیه آن به جلالین این است که توسط دو جلال «جلال محلی» و شاگرد او «جلال الدین سیوطی» انجام گرفته است.

«تفسیر المنار» نوشتهٔ شیخ رشید رضا با استفاده از تفسیرات شیخ محمد عبده است. شیوه او در تفسیر «سلف‌گرایی» یا «اصل‌گرایی» است.

طنطاوی در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» کوشید تا علوم جدید را با آیات قرآنی وفق دهد.

تفاسیری که در جهان شیعه اعتبار یافته‌اند عبارتند از:

- تفسیر علی بن ابراهیم قمی از مشایخ کلینی رازی.

- تفسیر عیاشی از مشایخ کلینی.

- تفسیر منهج الصادقین از ملا فتح‌الله کاشانی.

- تفسیر شیخ سید عبدالله شبر.

مهمترین تفسیر شیعی «المیزان فی تفسیر القرآن» نوشتهٔ محمد حسین طباطبائی است. در بیست جلد. که نه یکسره تفسیر به منقول است و نه تفسیر به معقول.